

شیخ ابوالفتوح شهاب‌الدین یحیی بن حبش امیرک سهروردی حلبی، حکیم و مؤسس دومین حوزه اندیشه فلسفی در اسلام به نام حکمت اشراقی، در سال ۵۴۹ هجری قمری در سهرورد حوالی زنجان زاده شد. از کودکی وی تا پیش از اشتغال به تحصیل اطلاعاتی در دست نیست. در نوجوانی در مراغه آذربایجان نزد مجدالدین جیلی ضمن یادگیری حکمت، منطق و اصول فقه با فخر رازی آشنا شد. از آنجا به اصفهان رفت و تحصیلات صوری را نزد فخرالدین فارسی (قاری) با تحصیل کتاب البصائرالنصیریة فراگرفت (یاقوت، ۱۹۷۹، ص ۲۶۹).

سهروردی در سفر به بکر و شام با بسیاری از مشایخ صوفیه و عالمان آشنا شد و به دلیل علاقه زیاد به مسلک آنها طریق تصوف در وی هویدا گردید. وی در سال ۵۷۹ ه.ق، در حلب و در مدرسه حلاویه در درس افتخارالدین حاضر شد، ملک‌ظاهر پسر صلاح‌الدین ایوبی در مجلس مناظره‌ای که میان سهروردی، فقیهان و متکلمان حلب ترتیب داده شده بود، از ذوق و شور بالای وی خوشش آمد و سهروردی مورد تکریم و احترام فراوانی در میان درباریان قرار گرفت. این بزرگداشت سهروردی را محسود فقیهان کرد و سرانجام به جرم کفر، الحاد و فساد در عقیده، حکم قتل او را صلاح‌الدین ایوبی صادر کرد. ملک‌ظاهر سهروردی را در قلعه حلب محبوس نمود و به نحو نامعلومی در سال ۵۸۷ ه.ق در سن ۳۸ سالگی به قتل رسید (ابن‌ابی‌اصیبیه، عیون الانباء، ۱۹۶۸، ص ۶۴۲). سهروردی، در مدت حیات خود کتاب‌های متعددی با محتوای فلسفه و عرفان به زبان عربی و فارسی به رشته تحریر درآورده است. مهم‌ترین آن آثار در قلمروی تربیتی حکمه الاشراق است که مشتمل بر آرای خاص فلسفه اشراق با ادبیات اشراقی است.

مبانی فلسفه‌ی سهروردی

مبانی هستی‌شناختی: این مفهوم با نظام نوری از دیدگاه سهروردی پیوند خورده است. این نظام به نور و ظلمت تقسیم می‌شود و اصالت و حقیقت با نور است و ظلمت نبود نور و امری عدمی است. در نگرش اشراقی ظلمت مبدأ تأثیر نیست. در این جهان‌شناسی گستره نظام هستی، ترتیب و چینش دقیق و زایش دائمی است که پیوسته از انوار برتر اشراقی افاضه می‌شود (شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ۱۳۷۲، ج ۲، ۱۶۲؛ ج ۱، ۱۱۲-۱۱۳). نظام هستی محدود به عالم ماده و طبیعت نیست و عالم ماده و طبیعت جزئی از شبکه عظیم هستی است این نظام به دو قسم غنی و فقیر تقسیم می‌شود، مبدأ متعال و نورالانوار، غنی مطلق است و ماسوای او فقیرند که تحت تدبیری واحد از سوی مبدأ متعال و نورالانوار اداره می‌شود.

مبانی انسان‌شناسی: یکی از مبانی اصلی انسان‌شناسی از دیدگاه سهروردی تعقل و تفکر است. عقل در نظر سهروردی حجت و دلیل قاطع بوده و آنچه مردود است موهوم را به جای معقول گذاشتن و سوءاستفاده از استدلال است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۶۴: ۴۹)

سهروردی انسان را موجودی قدسی، صاحب علم و اراده و فناپذیر می‌داند. (شرفی جم و خلیلی، ۱۳۸۶، ۱۱۰-۸۷). انسان موجودی است مرکب از نفس و بدن که قوه نفس حقیقت و هویت انسان را تشکیل می‌دهد. هرچه انسان بیشتر به تأمل در نفس بپردازد حقایق بیشتری از نفس برای او آشکار می‌شود. از خصوصیات بارز نفس انسانی بقای آن است که با مرگ بدن و قطع این ارتباط موجودیت نوری نفس از بین نمی‌رود. شناخت این نفس مقدمه شناخت خداوند است و هرچه تقویت شود بهتر به اهداف خود می‌رسد.

از نظر شیخ اشراق انسان دارای کرامت ذاتی و خلافت

کبراست. انسان برای رسیدن به کرامت اکتسابی و کنار زدن حجب و موانع و کاستن از موانع مادی نیازمند تربیت می‌باشد. انسان‌شناسی از دیدگاه سهروردی از دو نظر اهمیت دارد یکی آن‌که شناخت آراء تربیتی بدون آن ممکن نیست و دیگر اینکه او در بخش انسان‌شناسی فقط به تشریح نفس و قوای آن نپرداخته بلکه کوشیده است راه تطهیر نفس را از طریق تربیت اشراقی نشان دهد. (سهروردی، مجموعه مصنفات، ج ۲، ۱۳۷۲، ص ۲۰۰-۲۷۵).

مبانی معرفت‌شناختی: سهروردی از برجسته شخصیت‌هایی است که معرفت‌شناسی را در طرح و قالبی نو و تحت عنوان اشراق آورده است. او بنیاد اعتبار و اصول قواعد معرفت‌شناختی را باهم نگری تجربه حسی، عقلی، شهودی عرفانی و تجربه اشراق می‌دانست (شهرزوری، ۱۱، ۱۳۷۳). علم و معرفت امر واقعی، عینی و نور است که برای نفس ظهور و انکشاف دارد. منبع تمام علوم بشری معارف بدیهی و شهودی هستند. از شرایط کسب علم و معرفت می‌توان سلامت نفس، رعایت شرایط درگزینش مواد و اجزای قیاس، رعایت شرایط صوری و شکلی درست و رها بودن انسان از لجاجت را نام برد. شرایط کسب علم شهودی رهایی نفس از خواسته‌های مادی و حیوانی، نورانیت و جلا یافتگی دل، تشخیص قدرت مکاشفه رحمانی از مکاشفه شیطانی و از شرایط به دست آوردن معرفت رعایت تقوا، داشتن طهارت باطن، تفکر منطقی و ناقص بودن عقل در درک تمام هستی می‌باشد. نفس قادر است پاره‌ای چیزها را به‌طور مستقیم و بدون میانجی درست و به‌واسطه حضور خودش بشناسد (رضوی، ۱۳۷۷، ۱۶۳-۱۶۴).

مبانی ارزش‌شناسی: در مکتب سهروردی معیار و ملاک ارزش‌ها، ملکه عدالت در نفس ناطقه است که بدون تحقق فضایل انسان نمی‌تواند به سعادت نائل گردد. از نظر سهروردی چون نفس، نوری از انوار الهی است پس کمال و

سعادت او در تقرب، تشبه و وصول به نورالانوار و هر چیزی که نفس را در وصول به این موفقیت کمک نماید، ارزشمند است (احمدی)، بدین جهت، در برخی مواضع به عواملی که مانع این تقرب می‌گردد، اشاره کرده و معتقد است که لذت حسیه انسان را از عالم نور و تقرب به نورالانوار دور می‌سازد (باربور، ۱۳۶۲، ۳۸۵). البته سهروردی قبل از اشاره به اقسام لذت در باب لذت و الم، تعریف و شرایط هر یک را مفصل بحث کرده است. از آن جمله در الواح عمادی، کلمه التصوف و اللمحات در مورد لذت و الم مطلبی را بیان کرده و در هر سه اثر فوق به بحث در کمال نفس پرداخته است. وی لذت را ادراک آنچه ملایم و سازگار با نفس است و الم را ادراک چیزی که با نفس ملایم و سازگار نباشد می‌داند. "اللذّه وصول ملائم الشی و ادراکه لوصول ذلک والالم، حصول ما هو غیر ملائم الشی من حیث هو کذا" (سهروردی، ج ۳، ۱۳۵۵).

آراء تربیتی سهروردی

اهداف تربیت: در مکتب اشراق فرایند تربیت به غایتی دست می‌یابد که مطلوب و متناسب با حقیقت انسان است که این همان هدف غایی است که رسیدن به این نقطه نهایی مستلزم هدفی است برای مشخص کردن سیر حرکت انسان. غایت تربیت به نظر سهروردی رشد معنوی و اخلاقی انسان در رسیدن او به مقام قرب حق و پرورش کلیه استعدادهای انسان و فعلیت یافتن قوای درونی وی در این راستا. نیل به مقام رضوان یکی از مراتب تقرب است که شخص در اثر افزایش معرفت به درجه‌ای می‌رسد که اراده او در حق فانی گشته و برای خود اختیاری قائل نیست و کاملاً تسلیم اوست. سکینه و مشاهده از دیگر مقامات و منازل قرب الهی است که انسان بعد از تصفیه و تهذیب نفس که در اثر ریاضت مستمر حاصل می‌گردد به مرتبه‌ای می‌رسد که انوار الهی بر او تابیدن می‌گیرد و خلسه‌های لذت‌بخش به وی راه

برهان است در این آموزش فکر و اندیشه آدمی باید چنان فعال و پویا شود که به جهان عینی تبدیل گردد. همچنین شهود و ادراک و عقل و عرفان در هم آمیزد و هر دو در خدمت قرآن کریم و آموزه‌های دینی قرار گیرد. در اهداف جزئی نیز تفلسف، تحصیل معارف دینی، توسل به عبادت، تقوای الهی و ساده زیستی ذکر شده است.

در سراسر کتاب حکمه الاشراق و رساله‌های عرفانی شیخ اشراق تحول درون و باطن مورد توجه قرار گرفته است. از دیدگاه وی کسی که در پی معرفت و تربیت اشراقی است و می‌خواهد به حقایق اشراقی دست یابد باید در آغاز چهل روزه ریاضت تن دهد؛ کم بخورد؛ کم بخوابد؛ حیوانی نخورد؛ خلوت گزیند و سراسر در این چهل روز در تفکر و تأمل باطنی بماند. (شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ج ۲، ص ۲۵۸) اصل بعدی آخرت‌گرایی است که به‌عنوان دستورالعمل تربیتی مورد تأکید سهروردی بوده است در پایان کتاب حکمه الاشراق نوشته است برادران من بدانید یادآوری مرگ و آخرت‌گرایی و همواره در اندیشه حیات اخروی بودن از امور مهم است. باید بیشترین خواسته و دعای مؤمنان از خداوند در مورد عالم آخرت باشد؛ زیرا مرگ در نگاه وی ولادتی شگرف است، بلکه انسان از رحم طبیعت خارج می‌شود و به جهانی برتر زیباتر و فراخ‌تر گام می‌گذارد و جهانی که چشمه حیات و نور و روح زندگی آنجاست و این نمی‌شود، مگر اینکه انسان از تاریکی تن و ظلمات عالم ماده و طبیعت مفارقت کند (همان، ج ۳، ص ۷۰-۱۷۳؛ ج ۱، ص ۱۱۹-۱۳۷۲) اصول ریاضت و مجاهدت، تدریج، دوام استمرار، مراقبه مجدد خویش، مهرورزی، تلطیف سر، اعتدال و کرامت از دیگر اصول تربیتی شیخ اشراق در مجموعه آثارش می‌باشد. هدف تعلیم و تربیت به شکلی نظام مند مستلزم برقراری ارتباطی وثیق با اصل تجربه حضوری است؛ چراکه تجربه حضوری اساس و خمیر مایه نظام تعلیم تربیت اشراقی است و شاگرد در

می‌یابد. شیخ اشراق آخرین مرتبه را یعنی فنا فی الله و بقا بالله می‌داند که هرکسی استعداد و ظرفیت دستیابی به آن را ندارد مقام فنا مرتبی دارد سالک چون از خود و جهان هستی کنده شده است می‌تواند بدن خود را خلع نماید و به‌سوی کبریا سفر کند از اینکه مورد عنایت خدا قرار می‌گیرد شاد می‌شود و این یک نقص است. در مرتبه دوم فنای اکبر است که انسان خود را به کلی فراموش می‌کند و جز خدا نمی‌بیند با این همه چون هنوز به فراموشی خود توجه دارد ناقص است؛ و باید بکوشد به مقام فنا برسد در این مرتبت سالک نه تنها خود را فراموش کرده بلکه فنای مطلق پیدا می‌کند و کمال واقعی این است. هدف غایی تربیت، انقطاع الی الله و توجه تام به خداوند و اعتصام به توحید و قرب الهی است (کوروبون، ۱۳۵۲، ص ۲۶۱). هدف تربیت قرب الهی و نزدیک شدن به کمال مطلق است زیرا همه عوالم وجود مطلوب غیراست و تنها خداوند مطلوب به ذات است و هدف نهایی و غایی همه موجودات اوست؛ زیرا همه کمالات در او جمع است (شهریزی، رسایل الشجره الالهیه، ج ۳، ص ۳۷۴، ۱۳۸۵).

اهداف میانی تربیت شامل، اهداف علمی، اهداف ایمانی و اعتقادی، اهداف اخلاقی، اهداف شهودی و اهداف زیستی می‌شود. از میان این اهداف میانی کمال علمی و کمال عملی در بحث تربیتی حائز اهمیت است که این هدف از هدف غایی منتج می‌شود و زمینه قرب الهی را به وجود می‌آورد. علم و دانش وقف شخص خاص و محصور به زمان نیست تا افرادی از آن بهره‌مند شوند و دیگران محروم گردند؛ زیرا بخشاینده علم خدای علیم، همواره بخشاینده است و به هرکسی می‌بخشد بنابراین، هر کس می‌تواند علم بیاموزد (ابوریان، ۱۳۸۳، ۷۶). این نکته که هرکسی می‌تواند علم بیاموزد، در هر جا آن را یافت در آن ژرف اندیشه کند و در مسیر آموزش و یادگیری هرگونه تقلید کنار گذاشته شود؛ زیرا معیار صحت در مسائل علمی و امور عقلی و آموزشی

حوزه‌های نظری و عملی برای رسیدن به آن اصل باید تلاش نمایند.

اصول تربیت از منظر سهروردی

۱. اصل تفکر: سهروردی معتقد است بدون تفکر و اندیشه رسیدن به هرگونه شناخت غیرممکن خواهد بود. تفکر کلید معرفت است و چون از نظر او بدون معرفت انسان هرگز نمی‌تواند قدم در سیر و سلوک بگذارد، لذا بدون تفکر طی طریق ممکن نیست.

روش تفکر مشاهده طبیعت و آیات الهی از روش‌هایی است که اثرات تربیتی عظیمی بر انسان به جا می‌گذارد و انسان را در مسیر کمال هدایت می‌کند؛ و روش دیگر درون‌نگری و سیر در انفس از راه‌های رسیدن به اهداف تربیت اخلاقی است زمانی که انسان در خود به‌عنوان آیتی از آیات حق بیندیشد در قبال خود تعمق نماید به خودشناسی که مقدمه خداشناسی است، نائل می‌گردد.

۲. اصل تذکر: به نظر سهروردی تمام نفوس به وجود خداوند عالم بوده‌اند و بعد از حدوث بدن‌های جسمانی که مشتمل بر قوای ظلمانی است اکثر نفوس از مبدا غافل شده و به عامل ظلمت میل نموده به جهالت‌ها مبتلا شده‌اند و حجاب میان نفس و عالم نور به واسطه بدن و تعلقات جسمانی بیشتر می‌شود. لذا در لزوم تذکر مستمر انسان و نقش تربیتی آن تأکید بسیار نموده است و آن را عاملی در جهت مبارزه شخص سالک با نفس و شیطان می‌داند. روش‌های تذکر با یاد خدا و یادآوری نعمت‌های او به این صورت که انسان موجودی است دارای فطرت الهی که وابستگی‌های مادی به این فطرت سرپوش گذاشته و انسان را از خداوند غافل می‌سازد. سهروردی به کرات بر نقش تربیتی خدا تأکید نموده است وی صاحبان حقیقت را کسانی می‌داند که همیشه در تسبیح و تقدیس خداوند می‌باشند. روش بعدی یاد مرگ است که موجب می‌شود انسان حضور

خود را در دنیا یک حضور موقت بدانند و در نتیجه آن دل‌بستگی‌هایش کم گردد؛ و روش سوم عبرت‌آموزی است حالتی که انسان را از شناخت و معرفت محسوس به شناخت نامحسوس می‌رساند انسان از ظواهر عبور می‌کند و به شناختی عمیق می‌رسد.

۳. اصل مداومت: سالک باید همواره مراقب نفس خویش باشد تا از فرمان خدا سرپیچی نکند و دل را با مراقبت و محافظت آماده سازد تا آماده پذیرش انوار الهی گردد. روش محاسبه نفس، که پس از دعا به لزوم حساب‌رسی نفس در هرروز تأکید می‌کند و معتقد است هر شامگاه و بامداد به حساب‌رسی خود پردازید و به‌گونه‌ای عمل کن که امروزت بهتر از دیروزت باشد.

۴. اصل تهذیب نفس: سهروردی معتقد است طهارت نفس موجب پذیرش انوار الهی شده و دل را برای اشراق آماده می‌سازد تا جایی که می‌تواند در جهان تصرف نماید روش ریاضت، کم‌خوری، کم‌خوابی و ذکر الهی می‌باشد. (نصر، ۱۳۴۰، ۷۸)

۵. اصل اعتدال: انسان دارای قوه عاقله، غضبی و شهوی است که آن‌ها را به ترتیب نفس ملکی که مبدأ تفکر است، نفس سبعی که مبدأ جاه و غضب است و نفس بهیمی که مبدأ شهوت و شوق و التذاذب به تاکل و مشارب است و تعداد این فضایل نفس به حب اعتدال این قواست. روش او ضد شیوه‌های ترکیبی است که غالب علمای اخلاق و صاحب‌نظران تربیت در جهت تحقق اصل اعتدال پیشنهاد می‌کنند. برای از بین بردن رذیلت اخلاقی و خصایص زشت صفات ضد آن در شخص پرورش یابد.

۶. اصل صبر: کنترل نفس از لذات و شهوات جسمانی که بیشتر از مقدار واجب باشد و منتقل غضب که از حد وسط تجاوز نکند و به افراط و تفریط نرود. سالک تا به صفت صبر متصف نگردد هرگز انوار مجرد اشراق از سوی نورالانوار در او حاصل نخواهد شد و تا اشراق حاصل نگردد مشاهده

سهروردی، شهابالدین

الف: روش خودتربیتی، گام نخست سیر و سلوک یادگیری حکمت و کسب علم مربوط به تربیت است. به اعتقاد وی رسول خدا با همه کمالات خویش مأمور به فزونی دادن علم خویش بود. هر که حکمت بداند و به سپاس و تقدیس خداوند متعال مداومت نماید او را فر کیانی بدهند و فر نورانی ببخشند و بارقه الهی او را کسوت هیبت و بها پوشانند عالم طبیعت را تدبیر کند و از عالم اعلی مورد نصرت و تدبیر قرار گیرد و سخن او در عالم علوی مسموع و خواب و الهام او به کمال برسد. گام بعدی تلقین است که در جهت تثبیت معارف اشراقی و تجربه‌های عرفانی، مکرر این نکته را تلقین می‌کند که آنچه ما می‌گوییم نظر بزرگان عرفان و حکمت در ایران و یونان باستان است. گام بعد تکرار و تمرین ذکرشده است سالک باید بر مقامات و ملکات تکیه کند نه بر احوال؛ زیرا مقام به معنای ملکه‌ای پایدار نسبت به چیزی است؛ اما حال به معنای چیزی است که به فعلیت درآمده ولی زودگذر است و نتیجه‌ای در بر ندارد. سهروردی توصیه می‌کند عبادت دائم، ذکر دائم، تلاوت دائم، دعای دائم، فکر دائم در خودسازی اثر عظیم دارد. اصل بعدی مراقبه محاسبه است که شیخ اشراق در این مورد می‌گوید اگر مراقبت داشته باشی و بتوانی نفس خویش را از لذت‌های ظاهری بازداری و به جز بدان چه ضرورت حیات اقتضا می‌کند، اکتفا کنی و مراقبت و مواظبت داشته باشی که خود را به علم و معرفت مشغول بداری و کامل سازی، یقین دان که به کمالات معنوی خواهی رسید (شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ج ۳، ص ۳۲۶).

ب: روش دیگر تربیتی، نکته برجسته در رسائل عرفانی شیخ اشراق مانند رساله الطیر، رساله فی حاله الطفولیه، عقل سرخ، پر جبرئیل، روزی با جماعت صوفیان تأکید بر ضرورت اسوه داشتن برای رسیدن به حقیقت و تبعیت از دستورالعمل‌های اوست. بهره‌برداری از تمثیلات مریدان و اسوه‌ها با الهام از قرآن کریم برای تبیین مفاهیم عرفانی و

انوار محال است. روش توکل عبارت است از نگاه نیک دائمی به مسئله قضا و قدر در تمام حوادث بدون اکتفا کردن به اسباب و علل طبیعی (مهرابی، ۱۳۸۰، ۳۵).

محتوای تعلیم و تربیت سهروردی

تعلیم و تربیت اشراقی تحت قاعده‌ای عام بیان می‌شود، این اصل با توجه به گزاره معرفت‌شناسی فلسفه اشراق یعنی معرفت حضوری نخست با عملکرد نقش فیلسوف مشخص می‌شود؛ یعنی او باید در این مرحله متکی بر عقل و آزادی از قیدوبندهای فراوان طبیعت و عاداتها و تعصبها به دور باشد؛ زیرا تا وقتی عقل از این‌گونه قیدوبندها و عادات و تعصبات آزاد نشود برای ادراک حقیقت آمادگی ندارد و خود را در این راه آزاد نمی‌بیند. اصل دوم: ارزش‌های فردی (شامل رهایی از خود - رهایی از امیال نفسانی و افکار جاهلانه و دوستی، دنیاست - محاسبه نفس، تخلیه، تجلیه و تجلیه) و ارزش‌های اجتماعی شامل پرهیز از ظلم، راست‌گویی، شفقت بر مردم نیکی به والدین می‌داند. یعنی متربی نباید خود را محدود به علوم رسمی نماید.

اصل دوم با تجربیات معین معلوم می‌شود. فیلسوف باید به مشاهده نور الهی نائل آید. متربی باید به بینش علمی برسد؛ در این زمینه سهروردی می‌گوید: آنچه به تعلیم و تعلم مربوط است بخشی از آن نیز تو را کفایت می‌کند ولی بر تو لازم است که دانش شهودی را به دست آوری (سهروردی، ۱۳۳۴، ص ۱۳۴).

اصل سوم با حصول علم نامحدود یعنی علم اشراقی، متربی علاوه بر درک عقلانی مباحث به شهودی عینی از مباحث رسیده باشد. به عقیده سهروردی، متر بی فیلسوف موردنظر سهروردی در این مرحله باید تحلیل استدلال را به کار بگیرد و تجربه اشراقی خود را در معرض آزمون قرار دهد. نظام استدلال مورد استفاده همان برهان ارسطویی است (سهروردی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴).

معنوی روش دیگری است که سهوردی در دیگر تربیتی بیان کرده است. روش‌های دیگری که در آثار سهوردی به چشم می‌خورد عبارت‌اند از تکرار و تمرین، داستان‌سرایی، روش شعله‌ور سازی آتش درون و روش آراسته سازی (شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ج ۳، ۱۳۷۲، ۲۶۷-۲۹۱).

مراحل تعلیم تربیت

سهوردی درباره مراحل رشد و تحول و دگرگونی‌های جسمانی، روانی، عاطفی، عقلی و فکری انسان سخن صریحی ندارد. وی در مقدمه کتاب المشارع و المطارحات تربیت فراگیری آثارش را به این صورت بیان کرده است: در آغاز کتاب التلویحات و بعد از آن کتاب المشارع و المطارحات و سپس کتاب حکمه الاشراق باید خوانده شود؛ و اضافه می‌کند، کسی که در فلسفه بحثی و استدلالی مهارت لازم پیدا کرده، نباید حکمه الاشراق را بیاموزد؛ بنابراین شرط لازم آموختن معارف اشراقی و دریافت حقایق اشراقی نیاز به طی دو مرحله دارد؛ اول مهارت در فلسفه بحثی دوم سیر باطنی و تهذیب نفس (شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ج ۴، ۳۴ و ۱۰۱، ۱۳۸۰).

محتوای تعلیم و تربیت

بر اساس هدف تربیت اشراقی که قرب الهی و نزدیک شدن به کمال مطلق و تشبه به باری تعالی و تخلیق به اخلاق الهی و فنا و توحید است مواد آموزشی نیز باید در پی تحقق این اهداف باشند هرچند همه معارف و نیز علوم حسی، تجربی و عقلی برای بیدار ساختن انسان هستند و آشنایی با آنها برای انسان کمال و ارزش به حساب می‌آید. سهوردی خود را وارث حکمت جاودانی معرفی می‌کند که در تمام دنیا گسترده شده است. به اعتقاد وی تمدن‌ها و فرهنگ‌های ایرانی، یونانی، هندی، مصری و بابلی دارای تفکر مشترک اشراقی بوده‌اند و ما از آموزه‌های آنها بهره‌افر برده‌ایم. در

این آموزش توجه به فراگیری آموزه‌های رایج و متعارف توجه شده است. او هرگز به بهانه روی آوردن به عرفان و اشراق فراگیری علوم متعارف را کم‌بها جلوه نداده است. در مورد ارائه مواد آموزشی سهوردی در آموزش‌های عرفانی خود از بیان شرح مفردات و اصطلاحات بی‌توجه نبوده است. همچنین استفاده از آیات شریف قرآن و روایات در برخی آثار سهوردی به چشم می‌خورد (شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ج ۲، ۹- ۲۷۱، ۲۵۲، ۱۸، ۱۳، ۱۰، ج ۱، ۱۴۷، ۲۸۳-۲۸۴ و ۱۳۸۲، ۴۹۵).

ویژگی‌های مربی و متربی

تعلیم و تربیت سهوردی، محتوای پرباری در خصوص دو عنصر اساسی تعلیم و تربیت معلم و شاگرد در دسترس می‌گذارد. در تربیت اشراقی مقام معلم همچون مقام رسالت انبیاء در نظر گرفته می‌شود. موضوع کار او پرورش انسان کمال یافته مورد نظر سهوردی است و اول باید به تربیت خویش بپردازد. نقش معلم و شاگردی در فرایند یاددهی-یادگیری مشخص می‌شود. از دیدگاه سهوردی هم مربی و هم متربی باید هم طالب بحث باشند و هم تاله؛ یعنی هم در ساحت فکر و اندیشه و هم در ساحت فضیلت و کمال کوشا باشند؛ بنابراین، این دو هرگز در خود نمی‌مانند بلکه همواره با علم و عمل صالح خود را می‌سازند و جلو می‌روند. (شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، ج ۲، ۱۲، ۱۳۸۰) شیخ اشراق دو نوع مربی را تفکیک می‌کند، مربی انسانی که با عنوان شیخ، پیر، استاد از آنها نام می‌برد و دیگری مربی ماورای انسانی که با عناوینی چون طباع تام، نافث قدسی، عقل فعال و فرشته نام‌گذاری می‌کند. چنین مربی از نظر سهوردی متربی را از جهان بی‌جان عالم سفلی و از حجره زنان و از حجره اطفال تا اقلیم ناکجاآباد رهنمون می‌شود. پس این مربی فردی است منتقد و پرسشگر و تلاش دارد برای کشف حقیقت وجودی

کسی صفای باطن داشت و دل از بندهای مادی و تعلقات و وابستگی‌های ظلمانی آزاد ساخت، بی‌تردید جان و دل صیقلی یافته، آینه دریافت انوار الهی می‌گردد و به تلطیف سردست می‌یازد که یادگیری را برای او آسان می‌سازد.

سهروردی بیان داشته است آنچه را یاد گرفته است باور دارد و نیازی به دلیل و برهان ندارد؛ و اگر دلیلی اقامه کرده است در مقام تعلیم و آموزش بوده است. آنچه در معرفت‌شناسی سهروردی منبع اطلاعات و محور برنامه درسی قرار می‌گیرد تحقق خود یا همان تجربه حضور فرد است. طراحی برنامه درسی با این دیدگاه برنامه درسی معلمان با دانش آموزان منطبق می‌شود (ملکی، ۱۳۸۱، ص ۱۱).

کتابشناسی

ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۶۴). شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی. تهران: انتشارات حکمت.

ابن ابی اصیبه. (۱۹۶۸). عیون الانباء، تصحیح نزار رضا، بیروت: الحیاء. ابوریان، محمدعلی. (۱۳۷۲). مبانی فلسفه اشراق از دیدگاه سهروردی. ترجمه محمدعلی شیخی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

امین رضوی، مهدی. (۱۳۷۷). سهروردی و مکتب اشراق. ترجمه مجدالدین کیوانی. تهران: نشر مرکز

ایان بابریور. (۱۳۶۲). علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

امین رضوی، مهدی. (۱۳۷۷). سهروردی و مکتب اشراق. ترجمه مجدالدین کیوانی. تهران: نشر مرکز

سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۸۴). حکمه الاشراق، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۷۲). مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۱ و ۲، تصحیح و مقدمه هنری کرین، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۸۰). مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۳، ۲، ۱، با تصحیح و مقدمه سید حسین نصر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یاقوت حموی. (۱۹۷۹). معجم‌الادبیا، بیروت، دار احیاء التراث کربن، هانری.

خویش پیوسته با پرسشگری استعدادهای بالفعل خود را به منصفه ظهور درآورد (همان، ج ۳، ۱۳۸۰، ۴۵۰). از خصوصیات بارز مربی اشراقی برخوردار از عقل و درایت و نحوه معاشرت با بزرگان نام‌برده شده است. وظیفه معلمان این است که به نحو احسن مسئولیت خود را انجام دهند و در امر آموزش بخل نورزند و از سر میل و رغبت به وظیفه تعلیم و تربیت خویش مشغول باشند. معلمان با در نظر گرفتن اصل تدریج با مهربانی و سعه‌صدر به رشد معنوی مترقی همت گمارند (نلر، بازرگان، ۱۳۷۷، ص ۸۸). در مسیر تربیت و طی جاده طریقت بایان تمام مشکلات و حوادث پیش روی زندگی دینی را بر اساس میزان ظرفیت متریبان آموزش دهد (شهریزی، رسائل الشجره الالهیه، ج ۱، ۴۹۸، ۱۳۸۵).

محتوای برنامه درسی در تعلیم و تربیت سهروردی: در فلسفه اشراق یادگیری به صورت علم حصولی و حضوری تحصیل می‌گردد. مبدأ عالی یادگیری شناخت نفس ناطقه است و قوا و حواس تنها ابزار به شمار می‌آیند. التفات و توجه نفس پایه و اساس یادگیری است و شیخ اشراق به صراحت بیان کرده است یادگیری و ادراک جز به التفات نفس نیست مرحله دوم یادگیری اشراقی افاضه اشراقی است به این معنا نفس انسان به موجب اینکه موجود مجرد نوری است با فعالیت نفسانی ادراکی خود در عالم خارج موجود شده و آن را می‌یابد؛ بنابراین یادگیری تنها از طریق تجلی ذات و افاضه اشراقیه نفس که نوعی وحدت میان مُدرک و مدرک (ادراک کننده و ادراک شونده) است حاصل می‌گردد. در فرایند یادگیری متعلم باید آماده باشد و هدف آموختن مطلبی را بداند و از رشد بدنی و روانی مناسب برای یادگیری مطالب برخوردار باشد. در هر یک از این مراحل صفای باطن به عنوان یکی از شرایط یادگیری مورد توجه قرار داده‌اند. (شیخ اشراق، مجموع مصنفات، ج ۱، ص ۷۰-۷۴، ۱۳۷۲) در این اثنا اگر

- نوربخش، سیمما. (۱۳۸۳). نور در حکمت سهروردی. چاپ دوم، تهران: نشر سعید محبی.
- موحد، صمد. (۱۳۸۴). نگاهی به سرچشمه های حکمت اشراق و مفهوم های بنیادی آن. تهران انتشارات طهوری.
- سهروردی، شهابالدین (۱۳۵۵). المشارع و المطارحات. تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- سهروردی، شهابالدین (۱۳۷۲). ترجمه و شرح حکمت الاشراق. رجمه و شرح از جعفر سجادی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- سهروردی، شهابالدین یحیی. (۱۳۸۰). مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۴، تصحیح نجف علی حبیبی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سهروردی، شهاب الدین یحیی. (۱۳۷۵) بستان القلوب، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، هانری کرین ج ۳. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شرفی جم، محمدرضا و خلیلی، سمانه. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی مبانی فلسفی شیخ اشراق و برگسون و دلالت های تربیتی، آن. دو فصلنامه تربیت اسلامی، س ۱، ش ۵۵، ص ۸۱-۱۱۰
- شهرزوری، محمدبن محمد. (۱۳۶۵). نزه الارواح و روضه الفراح. ترجمه مقصود علی تبریزی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شهرزوری، محمد بن محمود. (۱۳۷۳). شرح حکمه الاشراق سهروردی، تحقیق و مقدمه حسین رضایی تربیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شهرزوری، شمس الدین محمد. (۱۳۸۵). رسائل الشجره الالهیه فی علوم حقایق دربانیه، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران .
- ملکی، حسن. (۱۳۸۱)، برنامه ریزی درسی راهنمای عمل، تهران: انتشارات مدرسه.
- مهرابی، عشرت. (۱۳۸۰). مجموعه مقالات کنگره بین المللی سهروردی، مقاله ارزش شناسی، ج ۱.
- نصر، حسین. (۱۳۴۰). سه حکیم مسلمان، ترجمه احمد آرام، تهران: مؤسسه انتشارات سروش.
- نر، جی. اف. (۱۳۷۷). آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه فریدون بازرگان دیلمقانی، تهران: سمت .

^۱ . استادیار پژوهشکده زنان. دانشگاه الزهرا. گروه مطالعات جامعه شناسی و توسعه. پست الکترونیکی: m.moosivand@alzahra.ac.ir